



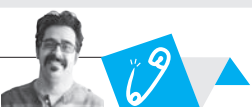
شماره سیصد و نود و ششم

پیراگتتم: به ما شد عرصه تنگ جز شکیبایی چه باشد راهکار؟

توی دنیای پر از اندوه و جنگ خنده کرد و داد پاسخ: «شهرنگ»

تماشاخانه

محمد رضا نقفی | کارتونست | email: sunysaghafi@yahoo.com



فلکه اول

است را با دریافت هزینه‌های گراف به عهده بگیرد. سوم، کمیته اضطرار الودگی هوا؛ وظیفه اصلی این کمیته تعطیل کردن مدارس است. این کمیته محبوبیت خاصی بین دانش آموزان دارد و بعضا دیده شده بچه‌ها اعضای آن را از پدر و مادرشان هم بیشتر دوست دارند و صبح تا شب برای سلامتی شان دعا می کنند. البته این کمیته محبوب دشمنانی مانند دانش‌جو جوان و کارمندان هم دارد که می گویند: «هنگر به ما خار دارد که همه رو تعطیل می کنی جز ما؟» چهارم، سازمان حفاظت از محیط‌زیست؛ وظیفه اصلی این سازمان اعلام اخبار ناگوار است. بلند هم نیستند یک جوری بگویند که آدم سخته نکند خیلی بی مقدمه می روند سر اصل مطلب و مثلا می گویند: «به‌دونه غاز آسیابی بیشتر زنده نمونده. اونم توی فلان منطقه هست.» که خب این نوع اعلام باعث می شود که شکارچیان محترم برای این که آن غاز تکماتند بیشتر از این زجر تهنایی نکشند، بروند سریع تر شکارش کنند. البته به دلیل ناراحت کننده بودن این خبرها، چندین یک‌بخش مفرح با نام «معاونت دریافت و پالایش دعاها می مردمی» برای وزین نام «هم» در این سازمان شکل گرفته تا کمی از تلخی اخبار محیط‌زیستی کم کند.

امروز می خواهیم به کاربرد واقعی بعضی از ارگان‌ها بپردازیم و فلسفه وجودی آنها را بررسی کنیم. اول، مرکز آمار؛ این مرکز وظیفه اصلی اش کار و شناسایی و دور کردن استرس از مردم است. این سازمان هر چند وقت یکبار خیال ما را راحت می کند که نه تنها هیچ تورم و افزایش قیمتی در کشور وجود ندارد، بلکه ما هر روز بیشتر از دیروز مشغول رشد اقتصادی مان هستیم. براساس تحلیلی که کارشناسان، طبق داده‌های این مرکز به دست آورده‌اند، با این سرعتی که داریم، پیش می‌رویم، نهایتاً طی دو سه روز آینده، مثل میگمیگ از کنار چین و سایر قدرت‌های اقتصادی رد می‌شویم، و به خط پایان می‌رسیم. دو، سازمان مدیریت بحران؛ وظیفه اصلی این سازمان سورپرایز کردن است. آنها به قدری حرفه‌ای هستند و خوب در قالب وظیفه‌شان فرو می‌روند که نه تنها همیشه ما را سورپرایز می‌کنند، بلکه خودشان هم سورپرایز می‌شوند. این سازمان می‌تواند در کنار مدیریت بحران دست به درآمدهای هم‌بزرگه به این شکل که یک بخش تشریفات و پذیرایی راه بیندازد و وظیفه سورپرایز کردن افراد لاکچری که تولدشان نزدیک



سیماک ظریفی

طنزنویس

ایجاد سمت جدید

همین روزها یکی از «ژن‌های خوب» منت سازمان می‌گذارند و در یکی از سازمان‌های وابسته‌مان مشغول کار می‌شوند. منتها مشکل اینجاست که ردیف خالی مناسب و در حد شخصیت پدر بزرگوار ایشان در هیچ‌یک از سازمان‌هایمان برای تصدی این زن ارجمند وجود ندارد. مسئول امور اداری‌مان بنده خدا دارد سخته می‌کند. یک هفته وقت گذاشت و لیست تمام مدیران را از بالا به پایین و بالعکس و راست به چپ و همچنان بالعکس از نظر گذراند و پرونده همه‌شان را زیرورو کرد تا بلکه یک بهانه‌ای از یکی‌شان پیدا کند و با زدن زیرایش، این آقا-زاده را جایگزین کند در نتوانست. تنها راه، ایجاد یک سمت تازه در یکی از سازمان‌های وابسته است. چیزی که فعلا پیشنهاد شده، مدیر کل مشاوره فعالیت‌های واقعا مشورتی در حوزه هوافضا، امور عشایری و ارشاد گسسل‌های کشور است.

کف کردن

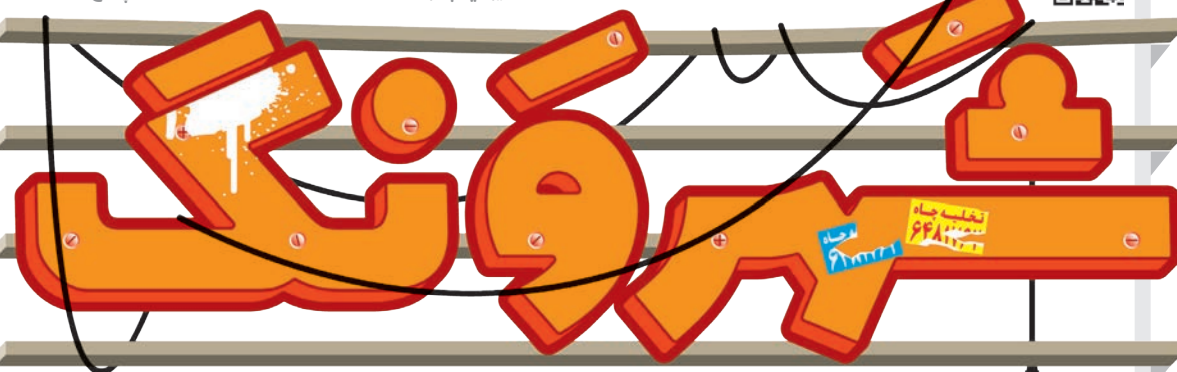
در چارچوب یک توافقنامه همکاری منطقه‌ای هیأتی از کشور افغانستان میهمان وزارت متبوع ما بودند که بازدید می‌کنند. ما داشتند. با یکی از آنها دوست شده بودم. آدم مطلعی بود. آمد تسوی اقامت، داشتیم در مورد یک فرمول برای محاسبه‌های مربوط به آمار یکی از فعالیت‌های مشترکمان همفکری می‌کردیم. یک ساعت عقل‌مان را گذاشتیم روی هم اما به نتیجه‌ای نرسیدیم. یکی از کارگزارهای خدماتی که تازه توی اداره‌مان مشغول کار شده بود، وارد شد. داشت

اداره

یادداشت‌های یک کارمند وظیفه‌شناسی - قسمت پانزدهم

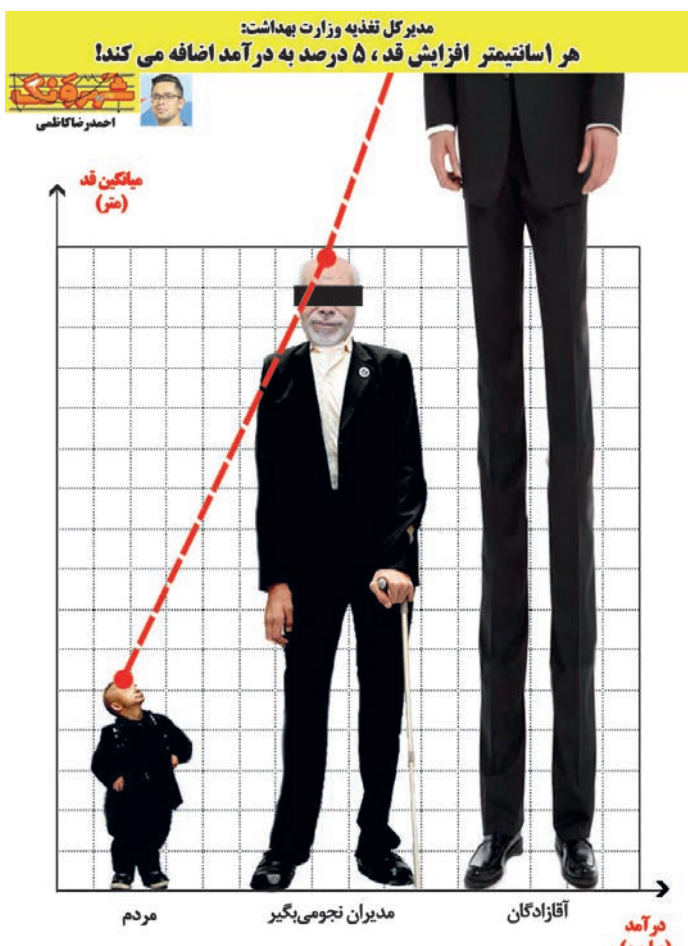
مدیر اداری می‌گوید: این تنها سمتی است که تا حالا نداشته‌ایم. ظاهرا ایجاد این سمت دارد به تصویب می‌رسد، حالا فقط مانده تعیین وظایف برای آن، که البته به عقل جن هم نمی‌رسد. فعلا قرار شده ایشان همان روز اول شروع کار، برای استفاده از یک فرصت مطالعاتی از طرف اداره به یک ماموریت یک‌ساله خارج کشور اعزام شوند تا زن خوب بعدی که یک‌ماه دیگر قدم بر چشم‌مان می‌گذارد، مدیر یک اداره کل جدیدی شود که وظیفه‌اش، تعیین وظیفه برای ایشان است.

زمین را نمی‌کشید. ناگهان آمد طرفمان، خودکار را برداشت و روی کاغذ فرمولی را نوشت و گفت: این طوری به جواب می‌رسید. عدد‌ها را در فرمول گذاشتیم. دیدیم درست می‌گوید. گفتیم: این اطلاعات رو از کجا آوردی؟ گفت: من دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد هستم. برای این که جلوی یک آبروریزی ملی را بگیریم، به دوست افغانم گفتیم: ببینید ما چقدر در توسعه علم بین اقشار مختلف موفق بوده‌ایم! او هم که حسابی کف کرده بود، گفت: توی کشور ما کسی که این قدر اطلاعات داشته باشه، کمتر از استاد دانشگاه نمی‌شه. این دفعه همکار خدماتی مان کف کرد. بعد سرش رو از پنجره کرد بیرون و به چند نفر که از بیرون داشتن شیشه‌های طبقات مختلف رو پاک می‌کردن، گفت: آقا یون همکلاسیا، کیا پاسپورت دارن؟ برای این که جلوی یک آبروریزی ملی دیگر را بگیریم، به دوست افغانم گفتیم: الان وظیفه ماست که زحمات برادران افغان رو در سازندگی کشورمان جبران کنیم.



دوره بگیر و ببند گذشته دوره بزن و بکوبه!

روحانی: آن دوره که بگوییم ببندیم و از پشت بام ببندیم پایین (منظورم دیش است، نه آدم) گذشته است
فرمول نشست خبری لور فت: **ctrlc + ctrlv**
دوره‌ای که بگوییم فیلتتر کنید (منظورم تو ییترا است نه آدم) گذشته است!
دوره‌ای که بگوییم میاید یا ببین (منظورم سطح توقعات نه قیمت دلار) گذشته است!
دوره‌ای که چیزی نگوئیم هنوز نرسیده!
#دوره_حذف_جدول_۱۷_#دوره_رفع_حصار_اقتصادی_نه_آدم_#شهرنگ



فیروزه مظفری | کارتونست



گمشدگان

به طور اساسی مصلحت‌ورزی کنیم!



مصلحت و مصلحت‌اندیشی از کی آغاز شد؟ مصلحت‌اندیشی اول به‌وجود آمد یا آزادی اندیشه؟ آنچه در تاریخ ثبت شده، این است که از روزی که شیخ اجل سرود دروغ مصلحت‌آمیز به‌زراست فتنه‌انگیز، دوران مکتوب مصلحت‌اندیشی شکل رسمی به خود گرفت، اما نکته تاریخی این بند بسد ادبی این است که در گذشته‌های دور، راست فتنه‌انگیز بوده نه چپ!

در رشته فوتبال:
مصلحت ۱: بهترین است دو تیم پرسپولیس و استقلال با هم بازی نکنند مگر به اجبار و از روی اضطرار
مصلحت ۲: بهترین است دو تیم در یک مسابقه نزدیک و طوفانی و فوق‌قابلیت با رعایت نکات ایمنی و ایزو ۲۰۰۲ و مقررات ملی ایمنی و استفاده از کفش و کلاه و کمربند ایمنی صفر صفر کنند!
مصلحت ۳: اصلح آن است که تیم ملی به جام جهانی نرود و کسی شادی نکند مگر به هنگام اعتدال

مصلحت ۴: اگر مجبوریم مصلحت این است که حرف سیاسی نزنیم
مصلحت ۵: اگر حرف سیاسی زدیم، تعریف و تمجید بهترین انتقاد است
مصلحت ۶: یک بادستج همیشه همراه داشته باشیم تا جهت وزش باد را بفهمیم
مصلحت ۷: برای یک سخنرانی در یک مکان عمومی دو متن سخنرانی له و علیه یک جریان خاص سیاسی در جیب داشته باشیم که با توجه به جو جمعیت بینیم مصلحت است از روی کدام متن بخوفیم

مصلحت ۸: وقتی دولت می‌گوید به تهنایی قادر به پاسخگویی به مطالبات مردم نیست، نهادهای بخش خصوصی نباید به کمک دولت بیایند، بلکه مصلحت این است که ملت سطح مطالباتشان را کاهش دهند.
در سینما:
مصلحت ۱: مصلحت این است که از امروز برندگان سیم‌رغ‌های جشنواره سال ۱۳۹۷ را هم اعلام کنیم و با جلوگیری از ساخت فیلم‌هایی که قرار نیست جایزه بگیرند و برپایی پر هزینه جشنواره یک‌سال بودجه‌سینما را بزنیم به بدن!

مصلحت ۲: شریفی‌نیا باید در تمام فیلم‌های بازی کند یا بازی بدهد!
در مطبوعات:
مصلحت ۱: بهتر است روزنامه‌ها نیازی به دریافت پروانه انتشار نداشته باشند، چون این طوری برای بستن شان هم نیازی به لغو پروانه نیست.
مصلحت ۲: مصلحت این است که روزنامه‌ها و نشریات به جز هر چیزی در چاپ هر چیزی آزاد باشند.